

نجات از هم و غم

از فواید شناخت انسان این است که به ضعف خود پی می‌برد و از عظمت و غنای خدا آگاه می‌شود..



از فواید شناخت انسان این است که به ضعف خود پی می‌برد و از عظمت و غنای خدا آگاه می‌شود و خود را مؤثر نمی‌بیند و امور جهان، انسان و پیوند عالم و آدم را در دست خالق و پروردگار خویش می‌بیند، از این رو در عین اشتغال به انجام وظیفه از هم و غم دنیا آزاد می‌شود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: [#171«تفرّغوا من هموم الدنيا ما استطعتم«](#)؛ تا می‌توانید از غصّه نجات یابید. چه خوب است که انسان غمگین نباشد و همیشه فرحناک باشد؛ اما چگونه می‌توان به چنین آرمانی باریافت؟ در این باره فرمود: [#171«من أصبح و أمسي و الاخرة أكبر همّة، جعل الله الغنا في قلبه و جمع له أمره و لم يخرج من الدنيا حتى يستكمل رزقه و من أصبح و أمسي و الدنيا أكبر همّة، جعل الله الفقر بين عينيه و شتت عليه أمره و لم ينل من الدنيا إلا ما قسم له«](#)؛ هر که فقط هم و غم و تلاش و کوشش خویش را بر تأمین دنیایی خود قرار دهد، خداوند او را با شکست و نابسامانی مواجه می‌سازد و فقر و فلاکت را برابر چشمانش قرار می‌دهد و انسانی که ضمن کوشش برای دنیا، بیشترین هم و تلاش او آخرت است، خداوند امور وی را جمع کرده و مانع از نابسامانی آن خواهد شد و در قلب او بی‌نیازی از خلق را قرار می‌دهد. خلاق، عاقله خدایند که همه آنها را تأمین می‌کند. هیچ جنبنده‌ای نیست که خدا روزی او را تأمین نکند و نیازهای او را فراموش کند: وما من دابة في الارض الا لعلي الله رزقها(3)؛ ولی بشر عادی چون ادعای استقلال دارد و تأمین روزی خود و عیال خویش را برعهده خود می‌داند، همیشه در زحمت است، حال آنکه همه حیوانات دریایی و صحرايي بر سر سفره خدایند، چنان که انسان نیز چنین است. البته باید تلاش خود را کرد و کوتاهی نکرد؛ اما تأمین بر عهده خداست. در بیانی لطیف، معصوم(علیه‌السلام) به یکی از شاگردانش می‌فرماید: [#171«اگر من به شما بگویم درس و بحثتان را ادامه دهید و کارتان را بکنید و تأمین هزینه شما بر عهده من، آیا آرام می‌شوید؟ عرض کرد: آری، پسر رسول خدا! وقتی امام معصوم به من بگوید \[#171«تو کارت را انجام بده، تأمین هزینه‌ات بر عهده من«\]\(#\)؛ حتماً آرام می‌شوم«](#)؛ از دارایی ما از ذات اقدس الهی است و همو چنین وعده داده است، پس چرا آرام نمی‌شویم! انسان وزر مالی را به دوش می‌کشد که برای فرزند خود به جا می‌گذارد؛ اما پس از مرگ دیگر به یاد فرزند نیست. انسان در بهشت هم به یاد ندارد که فرزندی داشته است. از امام صادق(علیه‌السلام) می‌پرسند که به فرموده خدا مؤمنان صالح بهشتی غم و غصّه ندارند، پس افرادی مانند نوح(علیه‌السلام) که فرزندان در دوزخ می‌سوزد، چگونه عذاب فرزند را تحمل می‌کنند و خود در بهشت آرامش دارند. آن حضرت پاسخ فرمود که چرا آخرت را با دنیا قیاس می‌کنید! در بهشت، هیچ مؤمنی به یادش نیست که فرزند طالحي داشته است، لذا هیچ رنجی نمی‌برد، چون پس از مرگ همگان دوباره از خاک برمی‌خیزند و دیگر رابطه پدر و فرزندی نیست. (4) در قیامت، انسانها فقط با اندیشه‌ها، افکار، علوم، عقول و اعمالشان محسوس می‌شوند و کسی با کسی مأنوس نیست؛ یعنی تنها و خاضع محض هستند: وکلّ اتوه دخیرین(5)؛ وکلّهم آتیه يوم القيمة فردا. (6) در آنجا دیگر زندگی جمعی نیست. وجود مبارک امیرمؤمنان(علیه‌السلام) در یکی از خطبه‌ها فرمود که اموات در قبرستان باهم هستند؛ ولی هر يك بر سر سفره خویش نشسته است. (7) با این وصف، چه جهلی بدتر از اینکه انسان همه سرمایه خود را هدر دهد؟ این از آن روست که انسان خود را نشناخته است، لذا شیطان به جای او می‌نشیند و او را به خود معکوس و بدلی معرفی می‌کند و انسان فریب خورده نیز باور می‌کند: [#171«يَحْسَبُ أَنْ مَالَهُ أَخْلَدَهُ«](#) (8) نتیجه آنکه باید این دستور را که [#171«از غصّه رهایی یابید«](#) مغتنم شمرد و راه ارائه شده را پیمود. اگر کسی روز خود را با وضع غمبار شروع کند و به پایان برسد و همه تلاش او معطوف به دنیا باشد، ذات اقدس الهی امور او را پراکنده می‌کند و او هرچه می‌کوشد نمی‌تواند امور زندگی خویش را جمع کند و خدای لایزال، تابلویی از فقر را در برابر چشمان او نصب می‌کند و او هر جا می‌رود، با آن مواجه است و چاره‌ای جز به سر بردن با فقر فرهنگی ندارد؛ ولی هر که همتش را آخرت خود قرار دهد و آباد کردن دنیایش را از سر وظیفه به عهده گیرد و در تأمین روزی خود و عیالش خود را مستقل نداند، خداوند عمر او را برکت می‌دهد و کارهای وی را سامان می‌بخشد و توانگری و غنا را در دل او نهادینه می‌کند. چنین انسانی همیشه آرام است و از هم و غم دنیا رهایی می‌یابد و در کمال آرامش شئون زندگی را اداره می‌کند و این همان [#171«تفرّغوا من هموم الدنيا ما استطعتم«](#) است و چنین رهایی مبارکی، ثمره میمون تفسیر انسان به انسان در دانش علمی و بینش شهودی و نیز تطبیق اغراض و غرایز بر گرایش فطری است.

1. ارشاد القلوب، ج1، ص54؛ بحار الانوار، ج74، ص166.

2. بحار الأنوار، ج 100، ص 29؛ تحف العقول، ص 48.
3. سوره هود، آیه 6. 4
- ر.ك: الاحتجاج، ج 2، ص 249 - 248؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 484.
5. سوره نمل، آیه 87.
6. سوره مریم، آیه 95.
7. ر.ك: نهج البلاغه، خطبه 226.
8. سوره هُمَزَه، آیه 3.
9. ارشاد القلوب، ج 1، ص 54؛ بحار الانوار، ج 74، ص 166. تفسير انسان به انسان، ص 381-384.